

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آناتولی کوشکین (ANATOLY KOSHKIN)

برگردان: ا. م. شیری

۰۹ اگست ۲۰۲۴

## ستالین جاپان را شکست داد نه بمبهای اتمی امریکا



[ جاپان، "شکنجه شده‌ای" که عاشق "شکنجه‌گر" خود شد. ] - شیری

ترومن اذعان کرد که شروع حمله شوروی به منچوری به معنای پایان جنگ بود

در ۱۵ اگست ۱۹۴۵، ساعت ۱۲ ظهر، جاپانی‌ها برای اولین بار صدای امپراتور الهی خود را از رادیو شنیدند. هیرو هیتو متنی را خواند که در آن مفاد بیانیه پوتسدام متفقین در مورد شرایط تسلیم جاپان و "تصمیم مقدس" برای پایان دادن به جنگ را پذیرفت. امپراتور در توجیه اجتناب‌ناپذیر بودن چنین تصمیم، با اشاره به استفاده امریکا از سلاح‌های جدید علیه جاپان گفت: "دشمن با استفاده از یک بمب جدید با قدرت تخریب بی‌سابقه، بسیاری از مردم بی‌گناه را کشت. اگر به جنگ ادامه دهیم، نه تنها به معنای مرگ و نابودی وحشتناک مردم جاپان، حتی به معنای مرگ تمام تمدن بشری است." در نتیجه، از این کلمات برای دفاع از این فکر که جاپان در نتیجه حملات اتمی امریکا تسلیم شد، استفاده می‌شود.

اما در جاپان یا "فراموش کردند" یا عمداً بر نسخه دیگری از بیانات امپراتور در تاریخ ۱۷ اگست زیر عنوان خطاب "به سربازان و ملوانان" چشم پوشیدند. در آن، فرمانده کل ارتش و نیروی بحری امپراتوری، ژنرال یسیموس هیرو هیتو، بدون اشاره به "بمب جدید"، اعتراف کرد که ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، دلیل اصلی تسلیم بود. امپراتور اعلام کرد: "اکنون که اتحاد جماهیر شوروی وارد جنگ علیه ما شده است، ادامه جنگ بی‌احتیاطی خواهد بود و فقط خسارت اضافی به بار خواهد آورد و اساس موجودیت امپراتوری را تهدید خواهد کرد."

لازم به ذکر است که تصمیم به تسلیم تقریباً در روز ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ با ترس از فرود ارتش سرخ در خاک جاپان و متعاقب آن تغییر بعدی در نظام سیاسی در نتیجه انقلاب، ارتباط مستقیم داشت. در فبروری ۱۹۴۴، فومیمارو کونوئه، نخست وزیر، با داشتن اطلاعات جاسوسی در مورد وعده ستالین برای ورود به جنگ علیه جاپان، سه بار از پادشاه جاپان خواست که "در اسرع وقت پایان به جنگ دهد". کونوئه با ترساندن امپراتور از وقوع انقلاب کمونیستی در آن زمان که ممکن است در نتیجه ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ رخ دهد، تسلیم شدن به امریکا و انگلیس را قبل از "مداخله اتحاد جماهیر شوروی در امور داخلی جاپان" اکیداً توصیه کرد. در عین حال تأکید کرد که "افکار عمومی در انگلیس و امریکا هنوز به خواسته‌های تغییر نظام سیاسی ما نرسیده است".

توکیو تنها پس از ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ با تسلیم بی‌قید و شرط موافقت کرد. این واقعیت را فقدان امضای اتحاد جماهیر شوروی در زیر بیانیه پوتسدام متفقین در مورد شرایط تسلیم جاپان که دولت جاپان را از پذیرش آن باز داشت، به وضوح نشان می‌دهد. پس از انتشار بیانیه و بحث در مورد متن آن در جلسه شورای عالی مدیریت جنگ، شینگنوری توگو، وزیر امور خارجه جاپان در ۲۷ جولای به نائوتاکه ساتو، سفیر جاپان در مسکو تلگراف زد: "موضعی که اتحاد جماهیر شوروی در مورد اعلامیه مشترک پوتسدام اتخاذ کرد، از این پس بر اقدامات ما تأثیر خواهد گذاشت". به سفیر دستور داده شد که فوراً بفهمد "اتحاد جماهیر شوروی به چه اقداماتی علیه امپراتوری جاپان دست خواهد زد". توکیو نمی‌خواست در برابر امریکا و انگلیس تسلیم شود. در ۲۸ جولای، دولت جاپان اعلامیه پوتسدام را رد کرد و اعلام کرد که قصد دارد "برای پایان موفقیت‌آمیز جنگ، به حرکت به پیش ادامه دهد". همانطور که در بالا ذکر شد، این موضع جاپان حتی پس از حمله اتمی به هیروشیما تغییر نکرد.

خلاف این ادعا که تبلیغات نظامی امریکا و شخص رئیس جمهور ترومن، مردم جاپان را با اعلامیه‌ها و بیانات رادیویی متقاعد کردند، واقعیت‌ها نشان می‌دهد که بدون ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، امریکائی‌ها نمی‌توانستند با "بمباران اتمی" جاپان را به سرعت تسخیر کنند. بر اساس محاسبات ستاد مرکزی امریکا، برای اطمینان از فرود نیروها در جزایر جاپان حداقل ۹ بمب اتمی لازم بود. پس از حملات به هیروشیما و ناکازاکی، امریکا دیگر بمب آماده نداشت و تولید بمب‌های جدید به زمان طولانی نیاز داشت. "هنری استیمسون"، وزیر جنگ امریکا شهادت داد: "این بمب‌هایی که ما رها کردیم، تنها بمب‌هایی بودند که در اختیار داشتیم و آهنگ تولید آن‌ها در آن زمان بسیار کند بود".

امریکا در دوره پس از جنگ، به دنبال فراموش کردن و یا حتی کتمان نقش اتحاد جماهیر شوروی در شکست میلیتاریسم جاپان بود. اگرچه متخصصان نظامی امریکائی در سال ۱۹۴۵ از این واقعیت نتیجه گرفتند که حتی اگر طرح توسعه‌یافته برای فرود نیروهای امریکائی در جزایر جاپان، با نام رمز "سقوط" اجراء می‌شد، هیچ اطمینانی نبود که "ارتش قدرتمند و کاملاً خودکفای کوانتونگ" به جنگ ادامه ندهد. جنرال داگلاس مک آرتور، فرمانده نیروهای انگلیس-امریکائی در اقیانوس آرام و خاور دور نیز معتقد بود: "تا زمانی که ارتش روسیه عملیات نظامی خود را در منچوری آغاز نکند، نیروهای امریکائی نباید در جزایر جاپان فرود بیابند". جنرال جرج مارشال، یکی از شخصیت‌های مهم نظامی و سیاسی امریکا نیز خاطرنشان کرد: اهمیت ورود روسیه به جنگ در این واقعیت نهفته است که می‌تواند به عنوان اقدام تعیین‌کننده عمل کند و جاپان را به تسلیم وادار نماید". چنین هم شد.

حتی ترومن، رئیس جمهور بشدت ضد شوروی امریکا، آشکارا اعتراف کرد: "ما واقعاً می‌خواستیم روس‌ها با جاپان وارد جنگ شوند". او در خاطرات خود نوشت: "ورود روسیه به جنگ برای نجات صدها هزار امریکائی ضروری بود".

تحلیل بی‌طرفانه وضعیت نظامی-سیاسی در خاور دور در اگست ۱۹۴۵، حتی منتقدان آشتی‌ناپذیر اتحاد جماهیر شوروی را به پذیرفتن واقعیت‌های آشکار وادار کرد. به گونه‌ای که تسویوشی هاسگاوا، استاد جاپانی دانشگاه کالیفرنیا، تأثیر قاطع ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، بر تصمیم امپراتور برای پذیرش شرایط تسلیم را تأیید می‌کند. وی در بخش پایانی اثر چند صفحه‌ای خود تحت عنوان "در تعقیب دشمن. ستالین، ترومن و تسلیم جاپان" می‌نویسد: "دو بمب اتمی که بر روی هیروشیما و ناکازاکی پرتاب شد، در تصمیم جاپان برای تسلیم، تعیین‌کننده نبود. با وجود قدرت کوبنده بمب‌های اتمی، آن‌ها برای تغییر بُردار دیپلماسی جاپان کافی نبودند. بدون ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، جاپانی‌ها تا زمانی که بمب‌های اتمی متعدد بر سرشان پرتاب می‌شد یا ادامه بمباران هوایی در شرایط محاصره بحری که امکان مقاومت را هر چه بیشتر از بین می‌برد، به جنگ ادامه می‌دادند و فرود موفقیت‌آمیز متفقین در جزایر جاپان امکان‌پذیر نمی‌شد. اما این فرصت را هجوم شوروی فراهم آورد". جنرال‌ها اعتراف کردند که جنگ بدون ورود اتحاد جماهیر شوروی، می‌توانست یک سال یا یک سال و نیم دیگر ادامه یابد.

وارد ویلسون، روزنامه‌نگار انگلیس، نویسنده کتاب "پنج افسانه در مورد سلاح‌های هسته‌ای"، در مقاله مندرج خود در مجله فارین پالیسی تحت عنوان "بمب‌های A جاپان را شکست ندادند، بلکه ستالین شکست داد"، نیز نظر هاسگاوا را تأیید کرد. نویسنده اشاره می‌کند که در تابستان سال ۱۹۴۵، هواپیماهای امریکائی ۶۶ شهر جاپان را با بمب‌های معمولی بمباران کردند - تخریب کلی یا جزئی بسیار زیاد بود، در برخی موارد با تخریب‌های ناشی از بمباران اتمی قابل مقایسه بود. در نتیجه بمباران فرشی در ۹ تا ۱۰ مارچ، در توکیو ۱۶ مایل مربع سوخت و حدود ۱۲۰ هزار نفر کشته شد. هیروشیما به لحاظ تخریب مناطق شهری (بر حسب درصد) در جایگاه هفدهم قرار داشت. ویلسون نوشت: "جاپانی‌ها که به طور کلی نگران بمباران شهرها یا بمباران اتمی هیروشیما نبودند، پس عامل نگرانی جاپانی‌ها چه بود؟ پاسخ ساده است - اتحاد جماهیر شوروی".

و در ادامه: "تعبیر سنتی که جاپان به خاطر هیروشیما تسلیم شد، برای برآورده کردن نیازهای عاطفی امریکا و خود جاپان بسیار مناسب بود. امریکا از تعبیر سنتی چگونه سود برد؟ شهرت قدرت نظامی امریکا در حد قابل توجهی بهبود یافت، نفوذ دیپلماسی آن در آسیا و سراسر جهان بالا رفت، امنیت امریکا تقویت شد...

در نقطه مقابل، اگر ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ را دلیل تسلیم تلقی می‌کردند، مسکو می‌توانست ادعا کند به آنچه که امریکا در طول ۴ سال نتوانست دست یابد، در ۴ روز دست یافت و تصورات درباره تأثیرات قدرت نظامی و نفوذ دیپلماتیک اتحاد جماهیر شوروی تقویت می‌شد... و در دوره جنگ سرد، ادعاهائی مبنی بر این که اتحاد جماهیر شوروی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کرد، مساوی بود با "کمک به دشمن".

بدون رد اهمیت بمباران اتمی، که تسلیم جاپان را تسریع کرد، نمی‌توان قبول کرد که آن‌ها و تنها آن‌ها بودند که نتیجه جنگ را تعیین کردند. این واقعیت را شخصیت‌های برجسته سیاسی غربی نیز به رسمیت شناختند. در این باره وینستون چرچیل گفت: "این اشتباه است اگر باور کنیم که سرنوشت جاپان با بمب اتمی رقم خورد". هری ترومن، رئیس جمهور امریکا به محض دریافت خبر شروع حمله شوروی به منچوری و کوریا، با خشنودی در باره اهمیت قاطع ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ گفت: "روسیه به جاپان اعلام جنگ کرد. این یعنی تمام!" لازم به تأکید است که این سخن نه در روز بمباران اتمی هیروشیما، بلکه، در روز ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ گفته شد.

این مدعا را توماس کانالی، سناتور امریکائی تکرار کرد، و پس از اطلاع از اعلان جنگ دولت شوروی، فریاد زد: "خدا را شکر! جنگ تقریباً تمام شد". جنرال کلر چنولت، فرمانده نیروی هوایی امریکا در چین، در ۱۵ اگست ۱۹۴۵ به روزنامه نیویورک تایمز گفت: "ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ علیه جاپان حتی اگر از بمب‌های اتمی

استفاده نمی‌شد، عامل تعیین‌کننده در تسریع پایان جنگ در اقیانوس آرام بود. حمله برق‌آسای ارتش سرخ به جاپان، محاصره‌ای را تکمیل کرد که جاپان را به زانو درآورد". روزنامه‌پر نفوذ "نیویورک هرالد تریبون" در سرمقاله شماره ۱۰ اگست خود نوشت: "نباید تردید داشت که ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ از نظر نظامی تعیین‌کننده خواهد بود".

همان روزی که اتحاد جماهیر شوروی علیه جاپان اعلان جنگ کرد، از سوی دولت انگلیس بیانیۀ ویژه‌ای صادر شد که در آن از جمله گفته می‌شد: "جنگی که امروز اتحاد جماهیر شوروی علیه جاپان اعلان کرد، گواه همبستگی بین متحدان اصلی است که باید دوره مبارزه را کوتاهتر کند و شرایطی فراهم آورد که به برقراری صلح جهانی کمک کند. ما از این تصمیم بزرگ اتحاد جماهیر شوروی استقبال می‌کنیم".

این‌ها ارزیابی‌های صادقانه و عینی بودند. متأسفانه، در سال‌های جنگ سرد، آن‌ها از چنین ارزیابی‌های منصفانه دور شدند و خلاف واقعیت‌های آشکار، مشارکت اتحاد جماهیر شوروی در جنگ با جاپان را به عنوان یک اقدام "غیر ضروری" و حتی "مضر" تعریف کردند. متعاقباً، این "تز" توسط دولت جاپان پذیرفته شد و به تحریک امریکائی‌ها در سازماندهی یک کارزار تلافی‌جویانه از آن استفاده کرد، خواستار بازنگری در نتایج جنگ مندرج در توافقنامه‌های بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد شد و در عین حال، ادعاهای غیرقانونی ارضی در برابر اتحاد جماهیر شوروی و سپس، در برابر فدراسیون روسیه مطرح کرد.

تصویر سر صفحه: ورود نیروهای شوروی به دالیان در سال ۱۹۴۵.

نقل از: بنیاد فرهنگ ستر اتیژیک

مطلب مرتبط: هیروشیما؛ درناها و آدم‌ها

۱۸ مرداد-اسد ۱۴۰۳